



مرکز مدیریت حوزه علمیه قم

معاونت آموزش

مدیریت امتحانات

بسمه تعالی

## امتحانات تجدیدی - مرداد ۱۳۸۸

### پاسخنامه

پایه :	۹	موضوع :	فلسفه ۲
تاریخ :	۸۸/۵/۲۰	ساعت :	۱۶

نام کتاب: نهایت الحکمة، از اول مرحله پنجم تا پایان مرحله هفتم

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سؤال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه به سؤال آفر نمره داده نمی‌شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

تستی:

۱. «شکل» عبارت است از ..... د ۱۱۶

أ. سطح جسم

ب. حدود محیط بر جسم

ج. مجموع سطح و حدود محیط بر آن

د. هیئت حاصل از احاطه حدود بر سطح یا جسم

۲. مقوله این در «الکون فی المكان» و «الکون فی الهواء» و «کون هذا فی هذا الوقت» به ترتیب عبارت است از ..... ج ۱۳۱

أ. شخصی - نوعی - جنسی  ب. شخصی - جنسی - نوعی  ج. جنسی - نوعی - شخصی  د. نوعی - جنسی - شخصی

۳. مراد از ماده بودن نفس نسبت به صور معقوله چیست؟ د ۱۰۲ فنی

أ. نفس مجرد، قوه و استعداد قبول صور معقوله را دارد

ب. نفس بواسطه حرکت متلبس به صور معقوله می‌شود

ج. نفس محل صور معقوله است

د. اشتداد وجود مجرد نفس بدون تغییر مادی و اتحاد او با عقول فوقش

۴. علت جوهر بودن صور نوعیه چیست؟ أ ۱۰۶

أ. مقوم جوهرند و مقوم جوهر باید جوهر باشد

ب. جوهر به حمل اولی بر آنها حمل می‌شود

ج. جوهر بر آنها و بر جسم یکسان حمل می‌شود

د. وقتی در خارج موجود می‌شوند نیازمند به موضوع نیستند

تشریحی:

۱. برهانی بر اثبات وجود ماده (هیولی) اقامه کنید. ۹۹ فنی

در هر جسمی دو جهت بتحلیل عقلی قابل تشخیص است یک جهت که فعلیت جسم به آن است و آن همان صورت جسمیه یعنی جوهر قابل ابعاد ثلاثه است و جهت دیگر این که در جسم قابلیت پذیرش کمالات اولیه (= صور نوعیه) و کمالات ثانویه (= اعراض خارجیه) هست و این حیثیت دوم غیر از اولی است و فقط قوه و پذیرنده است لذا نمی‌تواند با حیثیت اول که منشأ فعلیت است متحد باشد لذا در جسم علاوه بر صورت جسمیه امور دیگری که حیثیتش صرف قوه باشد ضروری است و او همان (ماده یا هیولی) است.

۲. آیا در عدد، تضاد هست؟ چرا؟ توضیح دهید. ۱۱۱ متوسط

خیر؛ زیرا از شرائط متضادین این است که بین آنها غایت خلاف و بعد باشد در حالی که هر دو مرتبه ای که از عدد فرض شود عدد بزرگتر از آن دو تنها باضافه عدد یک به آن بزرگتر می‌شود و لذا غایت خلاف بین مراتب عدد نیست.

۳. با توجه به عبارت «العلم الذی هو من الکیف مختص بذوات الأنفس. وأما المفارقات فعلمها حضوریه غیر حصولیه» مقصود از «ذوات انفس» چیست؟ تفاوت علم ذوات انفس با علم مفارقات را بیان کنید. ۱۲۳ متوسط

موجودات مادی ای که دارای نفس باشند مثل انسان، حیوان، فلک و ... - همیشه علوم مفارقات، حضوری است اما علم نفس می‌تواند حصولی باشد. لذا اینکه می‌گویند علم، کیف است فقط مربوط به علم ذوات انفس است.

\* «قيل: إنَّ الجسم مركَّب من اجزاء ذوات أوضاع لا تنقسم خارجاً ولا وهماً ولا عقلاً، وفيه: أنَّ الجزء المفروض إن كان ذا حجم كان له جانب غير جانب بالضرورة فيجری فيه الانقسام العقلي». ۹۶ متوسط

۴. نظریه فوق و اشکال آن را توضیح دهید.

گفته شده: جسم از اجزایی تشکیل یافت که قابل اشاره حسی اند، ولی به هیچ وجه تقسیم نمی شوند نه خارجی نه وهمی و نه عقلی. اشکال: اجزای جسم اگر دارای حجم هستند لا محاله تقسیم عقلی می پذیرد چون عقل حکم می کند که هر دارای حجمی حداقل دو طرف دارد که غیر از یکدیگرند لذا قابل تقسیم عقلی است.

\* «لا يقال: المادة واحدة بالعدد وصورة ما واحدة بالعموم والواحد بالعدد أقوى وجوداً من الواحد بالعموم ... فإنه يقال: وحدتها ضعيفة لكونها محض القوة، و وحدة الصورة - وهي شريكة العلة التي هي المفارق - مستظهرة بوحدة المفارق».

۵. اشکال و جواب فوق را که درباره علیت صورت نسبت به ماده است، توضیح دهید. ۴-۱۰۳ متوسط

تقریر اشکال: ماده واحد بالعدد و شخصی است چون تعدد در ماده راه ندارد ولی وحدت صورت وحدت بالعموم است زیرا علت ماده یک صورت مشخص نیست بلکه صورت ما است اگر صورت علت ماده باشد لازم می آید اضعف وجوداً علت اقوی وجوداً باشد و این محال است. تقریر جواب: صورت اگرچه واحد بالعموم است اما چون در حقیقت صورت با یک علت مجرد دیگری با هم علت برای وجود ماده اند پس ضعف وحدت او با آن علت مجرد جبران می شود و ماده نیز اگرچه وحدتش بالعدد است اما چون خودش صرف قوه است وحدت عددی او نیز وحدتی ضعیف است. خلاصه صرف بالعدد و بالعموم بودن ملاک قوت و ضعف نیست.

۶. مضاف حقیقی و مضاف مشهوری را با مثال تعریف کنید. ۱۲۷ متوسط

مضاف حقیقی همان نفس مقوله اضافه است و مضاف مشهوری مجموع موضوع اضافه و خود اضافه را گویند و مثال آن زیدی است که فرزند عمرو است یعنی هم زید بما هو انسان و هم اضافه او به پدر.

۷. جوهر را تعریف کنید. یک جوهر مجرد و یک جوهر مادی را نام ببرید. ۹۱ و ۹۰ متوسط

جوهر ماهیتی است که اگر در خارج موجود شود بی نیاز از موضوع است.

مجرد: ۱. عقل؛ ۲. نفس. مادی: ۱. جسم؛ ۲. صورت نوعیه مادی؛ ۳. ماده.

۸. با توجه به عبارت «لا يقال: لو كان هناك هيولى هي استعداد وقوة جوهرى و جزء للجسم لبطلت بتحقيق المستعد له. فإنه يقال: تبطل القوة المتعينة والاستعداد الخاص والمادة على ما هي عليه من كونها قوة على الصور الممكنة» اشکال منکرین وجود ماده یا همان هیولی و جواب آن را بنویسید. حاصل اشکال این است که اگر در جسم هیولی باشد که او موضوع استعداد است. استعداد با تحقق مستعد له باطل می شود و لذا جسم نیز بانتفاء جزئش باطل می شود.

جواب علامه این است که آن استعدادی که با تحقق مستعد له از بین می رود استعداد خاصی است که با تحقق مستعد له خاص (مقوی علیه خاص) از بین می رود و اما آن اصل استعداد در هیولی هنوز باقی می ماند.

۹. با توجه به عبارت «إنَّ المتصل الوحداني ما لم ينقسم لم يتحقق فيه كثرة وإذا انقسم بطلت جهة وحدته، فعلى كلِّ حال لم يتحقق شرط الحمل الذى

هو كثرة ما مع وحدة ما» چرا بین اجزای متصل مقداری (مثل خط) حمل صورت نمی گیرد؟ (ترجمه کافی نیست) ۱۴۲ متوسط

شرط حمل بین دو امر این است که از جهتی وحدت و از جهتی کثرت باشد پس با وحدت صرف و کثرت صرف حمل تحقق ندارد حال می گوئیم در متصل مقداری اگر آن را تقسیم کنیم وحدتش بهم می خورد و فقط کثرت دارد بدون وحدت و لذا حمل در او نیست و اگر آن را تقسیم نکنیم فقط وحدت دارد و کثرت ندارد و لذا حمل در او نیست.